

# معلم شاعران

سید فضل الله طباطبایی ندوشن (امید)

## چند هایکو

دریا

آفتاب قرآن / با دل‌های یخ زده / دریا می‌سازد

اگر

اگر امروز / بیشتر تلاش کنیم / اگرهای فردا / کمتر خواهد شد

کوکو

کوکو / مرغی که هیچ‌گاه / به گم‌شده‌اش / نخواهد رسید

صراط مستقیم

راه علی / همیشه / صراط مستقیم است / بی‌انصافی نیست / که در میان کوچۀ چپ / نام علی را می‌آوریم!؟

نماز

نماز، نیازی / که «بی‌نیاز» نیازی / به آن ندارد.

دوربازی

هستیم اگر چه بیمۀ اهل‌البیت  
خوردیم بسی ولیمۀ اهل‌البیت  
صد شکر خدا که باز هم لبریزیم  
از مرحمت کریمۀ اهل‌البیت

هر نقطه که بنگری پلاک افتاده  
صد غرقه به خون چاک چاک افتاده  
در وصف شلمچه باید این‌گونه سرود:  
یک قطعه از آسمان به خاک افتاده

علی اصغر فیروزنیا

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی  
و دبیر ادبیات دبیرستان‌های یچنورد  
علم و ادب پیشه کن ای هوشیار  
تا که وطن بر تو کند افتخار  
تا به کی ای در صدف تن نهان؟  
گوهر خود را بنما آشکار  
چشمه صفت از دل خارا بجوش  
رود صفت راه به دریا سپار  
ابر شو از سینۀ دریا برآ  
بر سر صحرای جگر تشنه بار  
مهر فلک، دیده به تو دوخته است  
قله صدا می‌کندت ای سوار  
میهن ما مهد چو فردوسی است  
مانده ز مردان کهن یادگار  
زانوی غم در بر تو تا به چند  
خیز و قدم در ره مردان گذار  
توشۀ ره، راستی است و خرد  
اهل رهی گر تو بیا و بیار

حسین معیاری

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی  
و دبیر ادبیات دبیرستان‌های تهران و شهرری  
همین که سرو بر انبوه عاشقانه رسید،  
از اوج سبز آمیز، از آسمان لبریز،  
صبور گشت و صمیمانه سر به زیر انداخت  
کبوتری چابک،  
که طوق رنگ به رنگش غریب و زیبا بود،  
در امتداد طلوع ستارگان گم شد  
سحر صدای غرور،  
که خانه خانۀ تن را به خواب می‌بازید،  
شکست و لرزش احساس را به جان آویخت  
به پیشگاه کریم، سکوت گویان شد.